

مقایسه وضعیت بخشودگی در گروه‌های سنی مختلف (جوانان، میانسالان و سالمندان) Compare the Change in the Situation of Forgiveness in Different Age Groups (teenagers, Middle-Ages and Elderly)

Davod Fathi

Ph.D. Student Counseling Department of Educational Sciences, University of Mohaghegh Ardabili

Dr.Esmail Sadri Damirchi

Assistant Professor Department of Educational Sciences, University of Mohaghegh Ardabili

Soliman Ahmadboukani *

Ph.D. Student Counseling Department of Educational Sciences, University of Mohaghegh Ardabili

Maryam Bhroz

M.A. Clinical Psychology, Shiraz University

داود فتحی

دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه محقق اردبیلی

دکتر اسماعیل صدری

استادیار گروه مشاوره دانشگاه محقق اردبیلی

سلیمان احمدبوکانی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه محقق اردبیلی

مریم بهروز

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز

Abstract

Forgiveness is one of the important ethical values that promote peace and improve mental health is an important element. In this regard, the present study was (young, middle-aged and elderly) performed to compare the status of different age groups. The method of this research is descriptive of the causal-comparative type. The statistical population of this study was all teenagers, middle-ages and old people in Lande city in 2017-2018. A sample of 90 citizens (30 old people, 30 middle-ages and 30 teenagers) was selected, randomly (cluster sampling). To carry out this research, Ehteshamzadeh et al. (2009) forgiveness scale was used. Data were analyzed by descriptive and multivariate analysis of variance (MANOVA). The Findings indicate that the difference between groups in the real sense of meaning is significant ($P < 0/05$) which is higher in elderly and middle ages than in teenagers, but there is no significant difference between middle-ages and elderly people. There was no significant difference between the age groups in the dimensions of control of revenge and control of suffering. The results indicate that as age grows, real perception for forgiveness increases and the present research suggests that the level of real understanding for forgiving in the elderly people and middle- ages is higher than teenagers.

Keywords: Forgiveness, Different Age Groups, Teenager, Middle- Ages, Elderly

چکیده

بخشودگی یکی از متغیرهای مهم اخلاقی محسوب می‌شود که در گسترش صلح و بهبود سلامت روانی عنصر مهمی محسوب می‌شود. در این راستا پژوهش حاضر با هدف مقایسه وضعیت بخشودگی در گروه‌های سنی مختلف (جوانان، میانسالان و سالمندان) انجام گرفت. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی- مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه جوانان، میانسالان و سالمندان شهر لنده در سال ۱۳۹۶-۹۷ تشکیل دادند. ۹۰ شهروند (۳۰ سالمند، ۳۰ میانسال و ۳۰ جوانان) به عنوان نمونه پژوهش، به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای (چند مرحله‌ای) انتخاب شدند. برای انجام این پژوهش از مقیاس بخشودگی احتشام زاده و همکاران (۱۳۸۸) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از شاخص‌های توصیفی و تحلیل واریانس چندمتغیری (مانوا) تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد تفاوت میانگین گروه‌ها در بعد درک واقعی معنا دار بوده است ($p < 0/05$) که این میزان در سالمندان و میانسالان بیشتر از جوانان است، اما این تفاوت بین میانسالان با سالمندان معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین در ابعاد کنترل انتقام و کنترل رنج تفاوت معنی‌داری بین گروه‌های سنی دیده نشد. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش سن، درک واقعی برای بخشودگی افزایش می‌یابد و پژوهش حاضر حاکی از بیشتر بودن میزان درک واقعی برای بخشودگی در سالمندان و میانسالان نسبت به جوانان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: بخشودگی، گروه‌های سنی مختلف، جوانان، میانسالان، سالمندان

ویرایش نهایی: آبان ۹۸

پذیرش: مرداد ۹۷

دریافت: تیر ۹۷

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

انسان‌ها در طول زمان تغییرات متفاوتی را تجربه می‌کنند. این تغییرات در ابعاد مختلف جسمی، شناختی، اجتماعی و عاطفی بروز می‌کند که شناسایی ویژگی‌های افراد در گروه‌های سنی مختلف می‌تواند مقدمه‌ای برای آموزش‌های مناسب و پیشگیری‌های لازم

متناسب با هر دوره سنی باشد. روانشناسان حوزه رشد سعی می‌کنند که با شناخت ویژگی‌ها و توانایی‌ها و ظرفیت‌های مختص به هر دوره ر شدی، امکانات متناسب با ر شد آن دوره را فراهم کنند. بنابراین شناخت ویژگی‌های افراد در دوره‌های سنی مختلف می‌تواند به سلامت در ابعاد جسمی، شناختی، اجتماعی و معنوی- اخلاقی منجر شود. از مباحثی که اخیراً توجه روانشناسان را بیش از پیش به خود جلب کرده، توجه به ابعاد معنوی و اخلاقی است. بطور کلی بیشترین فرا تحلیل‌های انجام شده در رابطه با مباحث اخلاقی از نظریه پیازه و نظریه کلبیرگ الهام گرفته که برین امر اذعان دارند که عبور فرد از مراحل ابتدایی اخلاق به مراحل بالاتر بر اساس سن افزایش پیدا می‌کند. توجه به ر شد مؤلفه‌های اخلاقی و شناخت این مؤلفه‌ها در گروه‌های سنی مختلف برای پرورش این بعد ضرورت دارد. یکی از ابعاد اخلاقی که ماسویوکی^۱ (۲۰۱۱) آن را شاهراه سلامت روان عنوان می‌کند، بخشودگی است. بخشش^۲ به عنوان مفهوم اخلاقی در زمینه علوم تربیتی و روانشناختی از سال ۱۹۹۱ یعنی از زمانی که انرایت و گروه مطالعات ر شدی انسان کار شان را روی ر شد اخلاقی بخشش آغاز کردند بسیار مورد بحث قرار گرفت. بخشش اشاره به تفاوت‌های فردی در تمایل به ببخشدن دیگران در سراسر زمینه‌های مختلف دارد (هیل و المند^۳، ۲۰۱۰). به عقیده پارک، پترسون و سلیگمن^۴ (۲۰۰۴) بخشودگی هم به عنوان پاسخی به خطاهای بین فردی و هم به عنوان یک صفت شخصیتی، سازه ای است که ممکن است سلامت و بهزیستی را افزایش دهد. مدل‌های مختلفی در مورد بخشش عنوان شده است. مثلاً مدل ود، رثینگتون و هاکس^۵، بخشش را جابجایی هیجانات مثبت به جای هیجانات منفی می‌داند (۲۰۰۹). رای^۶ (۲۰۰۵) بخشش را به عنوان آزاد کردن عاطفه منفی، شناخت‌های منفی و رفتار منفی در پاسخ به بی‌عدالتی ادراک شده عنوان می‌کند. هنگامی که فرد می‌بخشد، تأیید می‌کند که خطایی رخ داده است و سپس پردازش شناختی، عاطفی یا رفتاری به ارزیابی مجدد از خطا و خطا کار می‌پردازد؛ یعنی فرد بخشنده با ارزیابی مجدد، فرد خطاکار را به شیوه جدیدی مورد قضاوت قرار می‌دهد (تامپسون و همکاران^۷، ۲۰۰۵). در بخشش انگیزه‌های منفی مانند انتقام جویی در برابر فرد خاطی به انگیزش مثبت آشتی و خوش نیتی تغییر می‌یابد. به عبارت دیگر بخشش انگیزه‌های تجدید شده مرتبط با انگیزه‌های آشتی و خوش نیتی است (هوک و همکاران^۸، ۲۰۱۰). بخشش خطاکار و سیله‌ای قوی و توانمند برای پایان دادن به رابطه‌ای مختل یا دردناک است و شرایط را برای آشتی و مصلحه با فرد خطاکار ایجاد می‌کند (فینچ، بیچ و داویلا^۹، ۲۰۰۴). معاف کردن و معذور داشتن هم مانند واژه چشم پوشی کردن سبب تخفیف خطای رخ داده می‌گردد، بنابراین خطای خاطی را از مسئولیت اعمالی که انجام داده رها می‌کند (روی و همکاران، ۲۰۰۵) و تعجیبی ندارد بین بخشش و توافق افراد رابطه مثبت وجود داشته باشد (فهر، گلفند و نگ^{۱۰}، ۲۰۱۰). مککولاف، پارگامنت و تورسن^{۱۱} (۲۰۰۰) بیان کردند که بخشش جهت دادن به انگیزه‌هاست، آنها بخشش را به عنوان جهت دادن مثبت به انگیزه‌های منفی تعریف کرده‌اند که با انگیزه‌های مصلحه آمیز و مثبت نسبت به فرد خطا کار همراه است. پژوهش‌ها حاکی از ارتباط معنی‌دار بین بخشش با افزایش سلامت‌روانی می‌باشد (مالتبی و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۴). بخشش به عنوان یک متغیر درون فردی نه تنها بر سلامت فرد تاثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند منفعت بین‌فردی هم داشته باشد. افرادی که بیشتر عفو می‌کنند، رفتارهای عرفی بیشتری نسبت به دیگران، به طور خاص و کلی نشان می‌دهند (کرمانس و ون لانگه^{۱۳}، ۲۰۰۸). در ارتباط با وضعیت بخشودگی در دوره‌های مختلف سنی پژوهشی نشان داد که میانسالان و سالمندان تمایل بیشتری به گذشت کردن نسبت به گروه‌های جوان تر دارند (توساینت و همکاران^{۱۴}، ۲۰۰۱؛ کالتا و مروز^{۱۵}، ۲۰۱۸). از سوی دیگر یک متاآنالیز توسط فهر و همکاران (۲۰۱۱) تنها یک رابطه بسیار کوچک و اگر چه خیلی مهم بین سن و بخشش پیدا کرد. هم چنین افرادی که بیشتر بخشش می‌کنند، در کار شادتر و کارآمدتر هستند (کارنس^{۱۶}، ۲۰۰۹). دنم و همکاران^{۱۷} (۲۰۰۵) در بررسی رابطه بین

1. Matsuyuki

2. Forgiveness

3. Hill & Allemand

4. Park, Peterson & Seligman

5. Wade, Worthington & Haake

6. Rye

7. Thompson et al

8. Hook et al

9. Fincham, Beach & Davila

10. Fehr, Gelfand & Nag

11. Pargament, McCullough & Thoresen

12. Maltby et al

13. Karremans and van Lange

14. Toussaint et al

15. Kaleta & Mróz,

16. Kerns

17. Denham et al

بخشش در کودکان و بخشش در والدین آنها گزارش دادند که بخشش در مادران با بخشش کودکان در ارتباط بود و شیوه‌های فرزندپروری مادران با میل کودکان در بخشش ارتباط دارد اما این ارتباط در پدران معنی‌دار نبوده است. سبکوویک و همکاران^۱ (۱۹۹۵) نشان دادند که دانشجویان کمتر از والدین میانسال خود بخشودگی بروز می‌دهند. همچنین در پژوهشی دیگر که بر روی افراد ۵۰ تا ۹۵ ساله انجام شد، نشان می‌دهد که سن بر بخشودگی تأثیر دارد و افراد سالمند نسبت به افراد میانسال نمره بالا تری در بخشودگی کسب کردند (لاولر پفیری^۲، ۲۰۰۶). پژوهش آلمند و همکاران (۲۰۱۲) نیز نشان داد که ادراک زمان کم با تمایل افراد به بخشش ارتباط دارد. همچنین استینر، آلمند و مککلاف^۳ (۲۰۱۱) در پژوهشی با هدف بررسی تفاوت‌های سنی در بخشودگی به این نتیجه رسیدند که بین گروه‌های سنی در میزان بخشودگی تفاوت معنی‌دار وجود دارد و بخشودگی در سالمندان بیشتر از دیگر گروه‌های سنی می‌باشد. بطور کلی پژوهش‌های موجود از وجود تفاوت‌های رشدی افراد در بخشودگی حکایت دارد. لذا تا کنون پژوهشی که این تفاوت را در گروه‌های سنی مختلف مورد بررسی قرار دهد در ایران صورت نگرفته است و در خارج پژوهش‌های بسیار اندکی صورت گرفته است. بنابراین هدف پژوهش مقایسه وضعیت بخشودگی در گروه‌های سنی مختلف (جوانان، میانسالان سالمندان) است.

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه پژوهش حاضر را جوانان، میانسالان و سالمندان شهر لنده (در استان کهگلویه و بویر احمد) تشکیل دادند. با توجه به این که مقایسه بین سه گروه مدنظر بوده است، در کل ۹۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بعنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابتدا سه ناحیه از شهر انتخاب و از هر ناحیه، به روش تصادفی ۱۰ نفر هر گروه (۱۰ جوان، ۱۰ میانسال و ۱۰ سالمند) انتخاب شدند و پرسشنامه بخشودگی بین آزمودنی‌ها اجراء گردید. در این پژوهش با انتخاب مردان، اثر جنسیت بر پژوهش مورد کنترل قرار گرفت. ملاک ورود به پژوهش حاضر شامل داشتن سواد برای پاسخگویی به سوالات پرسشنامه، تمایل به همکاری با پژوهشگران بود و ملاک‌های سالمندی (عبور از مرز شصت سالگی)، نداشتن اختلال روانپزشکی و عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی بود. همچنین ملاک خروج از پژوهش عدم رضایت اعضاء از ادامه شرکت در پژوهش و ناتوانی آزمودنی‌ها از پاسخگویی به سوالات بود. همچنین قبل از اجرای پرسشنامه‌ها، هدف از اجرای طرح پژوهش با آزمودنی‌ها مطرح شد و آزمودنی‌ها آزادانه وارد پژوهش شدند و همچنین محیط مناسبی برای پاسخگویی توسط پژوهشگران در نظر گرفته شد. به منظور تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل واریانس چندمتغیره) استفاده شده است. پیش از اجرای این آزمون، مفروضه یکسانی واریانس مورد بررسی قرار گرفت.

بخشودگی: جهت سنجش میزان بخشودگی از مقیاس سنجش بخشودگی بین فردی توسط دکتر احتشام‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) استفاده شد. این مقیاس شامل ۲۵ سوال می‌باشد که سه عامل ارتباط مجدد و کنترل انتقام جویی، کنترل رنجش و درک و فهم واقع‌بینانه می‌باشد. این مقیاس دارای لیکرت چهار گزینه‌ای (کاملاً موافقم ۴ تا کاملاً مخالفم ۱) می‌باشد. احتشام‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) اعتبار هر یک از سه مقیاس ارتباط مجدد و کنترل انتقام جویی، کنترل رنجش و درک و فهم واقع‌بینانه را با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۶۶ و ۰/۵۷ گزارش کردند. ضریب همبستگی بدست آمده در پژوهش آنها برای کل مقیاس و سه خرده مقیاس به ترتیب ۰/۲۷، ۰/۳۲ و ۰/۲۱ می‌باشد و روایی این مقیاس بصورت همزمان مورد تایید قرار گرفت.

یافته‌ها

در جدول ۱ ویژگی دموگرافیک، میانگین و انحراف معیار برای مقایسه سه گروه سالمند، میانسال و جوان ارایه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیر ابعاد بخشودگی در بین جوانان، میانسالان و سالمندان

متغیر			جوانان			میانسالان			سالمندان		
سن	M	S.D	سن	M	S.D	سن	M	S.D	سن	M	S.D
کنترل انتقام	۰	۲۶/۲۷	۰	۲۴/۶۹	۵/۷۹	<	۲۴/۶۴	۴/۵۴	>		

1. Subkoviak et al

2. Lawler-Row & Piferi,

3. Steiner, Allemand & McCullough

۲/۷۵	۱۳/۱۳	۳/۱۰	۱۲/۸۵	۳/۱۴	۱۳/۲۳	کنترل رنج
۳/۰۰	۲۱/۱۶	۲/۸۲	۲۰/۳۴	۲/۶۰	۱۸/۶۰	درک واقعی
۷/۰۵	۵۸/۷۶	۸/۱۰	۵۷/۸۷	۷/۷۶	۵۸/۶۶	بخشودگی

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین جوانان در بخشودگی (۵۸/۶۶) در میانسالان (۵۷/۸۷) و در سالمندان (۵۸/۷۶) بدست آمد. قبل از استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری جهت رعایت پیش فرض‌های آن، از آزمون‌های باکس و لوین استفاده شد. براساس آزمون باکس که برای هیچ یک از متغیرهای پژوهش معنی‌دار نبوده است، شرط همگنی ماتریس واریانس/ کوواریانس به درستی رعایت شده است ($P=0/86$, $F=0/57$, $BOX=7/23$). بر اساس آزمون لوین و عدم معنی‌داری آن برای همه متغیرها، شرط همسانی واریانس‌های بین گروهی رعایت شده است (کنترل نتقام، $F=0/34$ ؛ کنترل رنج، $F=0/84$ ؛ و درک واقعی $F=0/50$ به ترتیب با سطح $0/071$ ، $0/053$ و $0/60$). بنابراین آزمون تحلیل واریانس چند متغیری قابل اجرا است. نتایج مشخصه‌ی آماری لامبدای ویلکز نشان داد که اثر گروه بر ترکیب مؤلفه‌های ابعاد بخشودگی معنی‌دار می‌باشد ($p < 0/05$, $P=1/97$, $\lambda=0/17$) و لامبدای ویلکز).

جدول ۲. نتایج واریانس چند متغیری روی میانگین ابعاد بخشودگی در بین جوانان، میانسالان و سالمندان

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
کنترل انتقام	بین گروهی	۹۷/۲۱	۲	۴۸/۶۰	۱/۸۹	۰/۱۵
	درون گروهی	۲۲۰۷/۵۵	۸۶	۲۵/۶۶		
کنترل رنج	بین گروهی	۳/۴۵	۲	۱/۷۲	۰/۱۹	۰/۸۲
	درون گروهی	۷۷۸/۱۸	۸۶	۹/۰۴		
درک واقعی	بین گروهی	۱۰۸/۰۲	۲	۵۴/۰۱	۶/۸۱	۰/۰۰۲**
	درون گروهی	۶۸۱/۹۳	۸۶	۷/۹۲		

نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که بین سه گروه جوانان، میانسالان و سالمندان در میزان بخشودگی آنها تفاوت وجود دارد و با توجه به جدول بالا میزان F بدست آمده در منبع تغییرات گروه‌ها در بعد درک واقعی ($F=6/81$)، در سطح ($p < 0/01$) معنادار بوده است. اما این تفاوت در ابعاد کنترل انتقام و کنترل رنج معنی‌دار نبوده است. همچنین برای تعیین تفاوت واقعی بین گروه‌های از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد.

جدول ۳. آزمون تعقیبی شفه برای مقایسه‌ی میانگین‌ها

ابعاد	گروه	تفاوت میانگین‌ها	انحراف استاندارد خطا	معنی‌داری
درک واقعی	سالمندان	۲/۵۶	۰/۷۱	۰/۰۰۲*
	میانسالان	۰/۸۲	۰/۷۵	۰/۵۵
میانسالان	جوانان	-۱/۷۴	۰/۷۲	۰/۰۵*

با توجه به جدول ۳، بین میزان درک واقعی در سالمندان و میانسالان با جوانان در سطح ($p < 0/05$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد که با توجه تفاوت میانگین‌ها، این میزان در سالمندان و میانسالان بیشتر از جوانان است. اما این تفاوت بین میانسالان با سالمندان معنی‌دار نمی‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه وضعیت بخشودگی در گروه‌های سنی مختلف (جوانان، میانسالان و سالمندان) انجام شد که نتایج نشان می‌دهد تفاوت میانگین گروه‌ها در بعد درک واقعی معنا دار بوده است که این میزان در سالمندان و میانسالان بیشتر از جوانان است، اما این تفاوت بین میانسالان با سالمندان معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین در ابعاد کنترل انتقام و کنترل رنج تفاوت معنی‌داری بین گروه‌های سنی دیده نشد. نتایج پژوهش حاکی از تفاوت معنی‌دار درک واقعی سالمندان از بخشودگی نسبت به جوان‌ترهاست.

این یافته با نتایج پژوهش‌های مالت و همکاران (۲۰۰۳) و المند و همکاران (۲۰۱۲) مبنی بر اینکه که افراد مسن تر به طور معمول ظرفیت بالاتری برای بخشودگی نسبت به افراد جوان تر دارند، همسو می‌باشد. برخی نظریه پردازان بخشش را، جابجایی هیجانات مثبت به جای هیجانات منفی عنوان می‌کنند (ود و همکاران، ۲۰۰۹). این جابه جایی نیازمند درک واقعی و توان همدلی با طرف مقابل و همچنین روشن سازی احساسات درونی است. افراد سالمند به خاطر تجربه و آموخته‌های بیشتر کنترل بیشتری بر هیجانات خود خواهند داشت ولی افراد جوان تر معمولاً از واکنش‌های هیجانی بیشتری استفاده می‌کنند. از طرفی انتظارات اجتماعی از سالمندان با جوانان متفاوت است و از سالمندان در بافت فرهنگی با لفظ "ریش سفید" یاد می‌شود که انتظار مصلحه و وساطت در تنش‌ها را به همراه دارد ولی در جوان انتظارات به شکلی دیگر است. بطور کلی سالمندان از مراحل مختلف رشدی عبور کرده‌اند و با درک و کنترل هیجانات نگاهی عاقلانه تر و پخته به موضوعاتی از جمله بخشودگی خواهند داشت. با توجه به ماهیت تأملی بودن به جای هیجانی بودن در سالمندان و همچنین پختگی تجارب در آنها به نظر منطقی می‌رسد که نسبت به نوجوانان در درک واقعی افراد در راستای بخشش نمره بالاتری بدست آورند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که میانسالان با جوانان تفاوت معنی داری در میزان درک واقعی دارند. نتایج بسیاری از پژوهش‌های استینر، آلمند و مک کلاف (۲۰۱۱) و دنهم و همکاران (۲۰۰۵) با یافته پژوهشی حاضر همسو می‌باشد. برای تبیین این یافته می‌توان به تفاوت‌ها و بحران‌های رشدی اشاره کرد که اریکسون میانسالی را خلاقیت در برابر رکود عنوان می‌کنند که نیروی بنیادی این مرحله مراقبت می‌باشد. او مراقبت را نگرانی برای دیگران می‌داند. این احساس می‌تواند زمینه را برای درک واقعی دیگران، همدلی، بخشیدن کاستی‌ها و اشتباهات آنها فراهم آورد. لذا ماهیت دوره جوانی ریسک‌پذیری بیشتری می‌طلبد و رفتارهای هیجان‌محور بیشتری به چشم می‌خورد که ممکن است به شکلی هیجانی چشم را بر درک واقعی دیگران ببندد. ادراک کردن، دنیا را از منظر دیگری دیدن را شامل می‌شود که عامل تجربه و پختگی شخصی بنا بر تفاوت سنی و تجربی میانسالان بیشتر خواهد بود که می‌تواند در این تفاوت اثرگذار باشد. لذا با توجه به ماهیت دوره میانسالی در توجه و نگرانی برای دیگران به نظر منطقی می‌رسد که میانسالان ظرفیت بالاتری نسبت به جوانان برای درک واقعی دیگران در راستای بخشودگی و چشم‌پوشی از خطاها داشته باشند. یافته‌های دیگر پژوهش حاکی از نبود تفاوت بین سالمندان، میانسالان و نوجوانان در ابعاد کنترل انتقام و رنج معنی دار بود. نحوه برخورد با انتقام و معنی دهی به رنج در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. در بافت فرهنگی سنتی و جمع‌گرای شهر لنده، در مورد اختلافات با وساطت ریش سفیدان و دیگر افراد دیگر به حل موضوعات اقدام می‌کنند و عموماً بواسطه وابستگی‌های جمعی، تصمیم‌گیری و رویارویی به شکل جمعی و با حمایت و وساطت دیگران انجام می‌شود. این سبک فرهنگی منجر به نزدیک بودن و یا یکسان بودن برخورد با موضوع بخشش خواهد شد و اقناع و بخشش بر پایه مصلحت‌ها صورت می‌گیرد تا صرفاً خواست فردی و شخصی. که با توجه به پیشینه فرهنگی و رسوم خاص مردم شهر لنده در برخورد با موضوع گذشت و بخشش، پیش‌بینی می‌شود که در کنترل انتقام و معنی دادن به رنج از قاعده خاصی تبعیت کنند. دخالت و وساطت بزرگترها در تصمیم‌گیری برای برخورد با انتقام و یا کنترل هیجانات منتصب به آن و همدردی و همیاری در برخورد با رنج و ساخت معنای برای آن در نبود تفاوت در برخی ابعاد هیجانی تأثیرگذار می‌باشد. بنا براین به نظر منطقی می‌رسد بین گروه‌های مختلف سنی از نظر ابعاد در کنترل انتقام و معنی دادن به رنج تفاوت معنی داری وجود نداشته باشد. همچنین نتایج پژوهش در زمینه بررسی تفاوت وضعیت بخشودگی در بین میانسالان و سالمندان نشان داد که بین این دو متغیر رابطه معنی داری وجود ندارد. این یافته با اکثریت یافته‌های بدست آمده در زمینه بخشودگی مغایر است (استینر و همکاران، ۲۰۱۱؛ دنهم، ۲۰۰۵). برای تبیین این یافته می‌توان به مکانیزم فرهنگی مردم لر زبان شهر لنده در برخورد با بخشش اشاره کرد که بعد هیجانی با وساطت و همدلی و همکاری دوستان و اقوام کنترل می‌شود و افراد متناسب با فرهنگ جمع‌گرایی به پاسخی یکسان راضی می‌شوند و گاه بخاطر هنجارهای خانوادگی این رفتارها می‌تواند با رفتارهای هم‌رنگی با دیگران پیوند خورد. لذا با توجه به تعدیل ابعاد هیجانی به کمک مکانیزم‌های فرهنگی و تعدیل ابعاد شناختی متناسب به مرحله رشدی و افزایش خودآگاهی متناسب با آن، به نظر منطقی می‌رسد بین سالمندان و میانسالان در شهر لنده تفاوت معنی داری در میزان بخشودگی یافت نشود. بطور کلی پژوهش حاضر، از بالا بودن میزان درک واقعی در سالمندان نسبت به نوجوانان حکایت دارد که شناسایی دیگر متغیرهای اخلاقی در گروه‌های سنی مختلف ضروری به نظر می‌رسد. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به احتمال سوگیری در اثر حضور آزمونگران، محدود بودن جامعه پژوهش به شهر لنده، وجود مشکلات در تشخیص پیدا کردن سالمندان دارای سواد خواندن و نوشتن و تفکیک گروه‌ها که می‌تواند در نتایج پژوهش اثرگذار باشد، اشاره کرد. همچنین به دلیل حجم اندک نمونه پژوهش و فرهنگ خاص مردم این شهر، تعمیم نتایج به موقعیت‌های دیگر با محدودیت همراه است و تعمیم نتایج آن به سایر جوامع باید با احتیاط انجام گیرد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر،

می‌توان بر لزوم افزایش آموزش بخشودگی و تقویت مهارت‌های کنترل انتقام و معنی‌دهی به رنج در آزمودنی‌ها تأکید کرد و آموزش والدین و معلمان برای توجه به گذشت در برنامه‌های تربیتی پیشنهاد می‌شود. همچنین با توجه به اهمیت بخشش به عنوان شاهره سلامت روان (المند و همکاران، ۲۰۱۱)، توصیه می‌شود برنامه‌ای جامع متناسب با ویژگی‌های خاص شخصیتی، فرهنگی و مدنی افراد مدنظر قرار گیرد.

منابع

احتشام زاده، پ.، احدی، ح.، عنایتی، م. ص و حیدری، ع (۱۳۸۹). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش بخشودگی بین فردی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۶ (۴)، ۴۴۵ - ۴۴۳.

- Allemand, M., Hill, P. L., Ghaemmaghami, P., & Martin, M. (2012). Forgiveness and subjective well-being in adulthood: The moderating role of future time perspective. *Journal of Research in Personality*, 46(1), 32-39.
- Denham, S., Neal, K., Wilson, B. J., Pickering, S., & Boyatzis, C. (2005). Emotional development and forgiveness in children: Emerging evidence. *Handbook of forgiveness*, 127-142.
- Fehr, R., Gelfand, M. J., & Nag, M. (2010). The road to forgiveness: a meta-analytic synthesis of its situational and dispositional correlates. *Psychological bulletin*, 136(5), 894-914.
- Fehr, R., Gelfand, M. J., & Nag, M. (2011). " The road to forgiveness: A meta-analytic synthesis of its situational and dispositional correlates": *Psychological Bulletin*, 137(2), 366. DOI: 10.1037/a0023012
- Fincham, F. D., Beach, S. R., & Davila, J. (2004). Forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of family psychology*, 18(1), 72-81.
- Hill, P. L., & Allemand, M. (2010). Forgiveness and adult patterns of individual differences in environmental mastery and personal growth. *Journal of Research in Personality*, 44(2), 245-250.
- Park, N., Peterson, C., & Seligman, M. E. (2004). Strengths of character and well-being. *Journal of social and Clinical Psychology*, 23(5), 603-619.
- Hook, J. N., Worthington Jr, E. L., Utsey, S. O., Davis, D. E., & Burnette, J. L. (2012). Collectivistic self-construal and forgiveness. *Counseling and Values*, 57(1), 109-124.
- Kaleta, K., & Mróz, J. (2018). Forgiveness and life satisfaction across different age groups in adults. *Personality and Individual Differences*, 120, 17-23.
- Karremans, J. C., & Van Lange, P. A. (2008). Forgiveness in personal relationships: Its malleability and powerful consequences. *European Review of Social Psychology*, 19(1), 202-241.
- Kerns, C. D. (2009). Forgiveness at work: Managing the dynamics and reaping the benefits. *Leadership Review*, 9, 80-90.
- Lawler-Row, K. A., & Piferi, R. L. (2006). The forgiving personality: Describing a life well lived?. *Personality and Individual Differences*, 41(6), 1009-1020.
- Maltby, J., Day, L., McCutcheon, L. E., Gillett, R., Houran, J., & Ashe, D. D. (2004). Personality and coping: A context for examining celebrity worship and mental health. *British Journal of Psychology*, 95(4), 411-428.
- Matsuyuki, M. (2011). An examination of the process of forgiveness and the relationship among state forgiveness, self-compassion, and psychological well-being experienced by Buddhists in the United States.
- McCullough, M. E., & Witvliet, C. V. (2002). The psychology of forgiveness. *Handbook of positive psychology*, 2, 446-455.
- Mullet, E., Barros, J., Veronica Usai, L. F., Neto, F., & Riviere Shafighi, S. (2003). Religious involvement and the forgiving personality. *Journal of personality*, 71(1), 1-19.
- Pargament, K. I., McCullough, M. E., & Thoresen, C. E. (2000). The frontier of forgiveness. *Forgiveness: Theory, research and practice*, 299-319.
- Rye, M. S. (2005). The religious path toward forgiveness. *Mental Health, Religion & Culture*, 8(3), 205-215.
- Rye, M. S., Pargament, K. I., Pan, W., Yingling, D. W., Shogren, K. A., & Ito, M. (2005). Can group interventions facilitate forgiveness of an ex-spouse? A randomized clinical trial. *Journal of consulting and clinical psychology*, 73(5), 880.
- Steiner, M., Allemand, M., & McCullough, M. E. (2011). Age differences in forgiveness: The role of transgression frequency and intensity. *Journal of Research in Personality*, 45(6), 670-678.
- Subkoviak, M. J., Enright, R. D., Wu, C. R., Gassin, E. A., Freedman, S., Olson, L. M., & Sarinopoulos, I. (1995). Measuring interpersonal forgiveness in late adolescence and middle adulthood. *Journal of adolescence*, 18(6), 641-655.
- Thompson, L. Y., Snyder, C. R., Hoffman, L., Michael, S. T., Rasmussen, H. N., Billings, L. S., ... & Roberts, D. E. (2005). Dispositional forgiveness of self, others, and situations. *Journal of personality*, 73(2), 313-360.
- Wade, N. G., Worthington, E. L., & Haake, S. (2009). Comparison of explicit forgiveness interventions with an alternative treatment: A randomized clinical trial. *Journal of Counseling & Development*, 87(2), 143-151.